وحید عظیم‌نیا
پرونده
اقتصاد سیاسی

گزارش

«جوان» چالش‌های ضعف صادراتی را بررسی کرد

گذر از خام و نیمه‌خام‌فروشی با وضع مالیات و عوارض

اقتصاد ایران از بیماری‌های مزمنی رنج می‌برد که یکی از آنها «رانتی» بودن است. به این معنا که دولت‌ها در سایه فروش نفت‌خام به فکر درآمدهای جایگزین نفت نبودند و حال با تکانه‌های جهانی از جمله تحمیل محدودیت‌های بین‌المللی، سبد ارزآوری کشور و به تبع آن سفره معیشت مردم تحدید شده است. طبعاً در اقتصاد رانتی، دولت به توزیع کننده رانت تبدیل می‌شود و از آنجا که نظام سیاسی ما زخم کهنه گروه‌سالاری (الیگارشی) دارد، به تبع رانت نفتی در میان جمع خاصی توزیع می‌شود و شوربخانه افراد نالایق و چاپلوس صرفاً به دلیل نسبت‌گرایی و تملق‌گویی در مصدر امور قرار می‌گیرند؛ عارضه‌ای که دولت فعلی هم به رغم شعارهای رنگارنگ نتوانسته است با آن مقابله کند. البته انتظار حل سریع این معضل، خام‌اندیشی است، ولی دریغ از نشانه‌های تلاش برای التیام چنین زخمی. برای رهایی از اقتصاد رانتی باید تقویت و توسعه صادرات غیرنفتی رهیافت اصلی دولت‌ها باشد، اما صادرات غیرنفتی نیز در کشور ما دارای مشکلات متعددی است. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای توسعه غیرنفتی» شهریور ۹۹ منتشر شد «موانع پیمان سپاری ارزی، نوسانات بالای نرخ ارز، نبود نظام ارزی مشخص، افزایش هزینه تولید، عدم بازاریابی مناسب و مستمر، ضعف دستگاه دیپلماسی اقتصادی و...» از جمله مشکلات صادرات غیرنفتی عنوان شده است. طبق همین گزارش یکی دیگر از مهم‌ترین مشکل صادرات غیرنفتی کشور این است که «سیاست‌های تجاری کشور از یک روند باثبات در بلندمدت و در جهت تعامل بیشتر با کشورهای هدف تجاری نیست. به عبارت دیگر اگرچه طی سال‌های اخیر اقدامات متعددی انجام شده است، اما آمار صادرات غیرنفتی کشور متناسب با ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی کشور نبوده و نیست.» در این بین خام‌فروشی و نیمه‌خام‌فروشی که در گزارش صادرات غیرنفتی نیز خودنمایی می‌کند از جمله موارد پنهان صادرات غیرنفتی است و به هر اندازه سبد صادرات غیرنفتی تحدید شود، سفره مردم «ایران ما» نیز تهدید می‌شود.

■■■

■ ضرورت تعریف دولت از موادخام و نیمه‌خام

«محمدمهدی بازگیرخوب»، کارشناس صادرات و بازاریابی بین‌المللی درباره مشکلات و موانع صادرات به «جوان» می‌گوید: «یکی از مشکلات حادث‌شده در اثر صادرات بی‌رویه موادخام و نیمه‌خام در کشور، مواجهه صنایع پایین‌دستی با کمبود مواد اولیه جهت فرآوری مواد خام و نیمه‌خام است که از این بابت گله‌مند هستند؛ اگر با قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری درست بتوان بازار را کنترل کرد و صنعتگران و فعالان اقتصادی را به صادرات با مواد با ارزش‌افزوده، صادرات مواد فرآوری شده با ارزش‌افزوده بالا سوق دهیم، موجب افزایش ارزآوری برای کشور و بهترشدن اوضاع خواهد شد. به منظور تفهیم بیشتر این مطلب که عمده صادرات شامل موادخام و اولیه است، باید گفت براساس آمار در هفت ماهه نخست سال جاری قیمت هر تن کالای صادراتی به‌طور میانگین ۴۶۴ دلار به ازای هر تن بوده، اما هنگامی که مقایسه آن مدنظر است، در هفت ماهه اخیر میانگین قیمت وارداتی به ازای هر تن هزار و ۶۰۷ دلار، یعنی ۳/۵ برابر بیشتر از میانگین قیمت صادراتی بوده و بیانگر این است کالای وارداتی مصرفی وارد می‌کنیم. به همین دلیل قیمت کالا باارزش‌افزوده بالاتری همراه است و میانگین هر تن کالای وارداتی ۳/۵ برابر میانگین قیمت صادراتی خواهد بود.» به گفته این کارشناس صادرات و بازاریابی بین‌الملل، «دولت باید فعالان اقتصادی را به سمتی سوق دهد که با سیاست‌گذاری اقتصادی و فراهم ساختن مشوق‌های مالیاتی بتواند آنها را مشتاق‌تر سازد تا در صنایع مختلف معدن، پتروشیمی و سایر صنایع به سمت فرآوری بیشتر محصولات حرکت کنند. اخیراً در ۲۰ مهر سال جاری در هیئت‌وزیران پیشنهاد شد، وزارتخانه‌های «اقتصاد و امور دارایی» و «صنعت، معدن و تجارت»، «معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری» و «اتاق بازرگانی ایران» طبق قانون بودجه ۱۴۰۱ که دولت را مکلف به اعلام تهیه لیست مواد و محصولات معدنی فلزی و غیرفلزی، گازی، نفتی و پتروشیمی خام و نیمه‌خام مشمول عوارض مالیاتی می‌کرد، اعلام کند؛ یعنی دولت با استفاده از اعلام این فهرست به فعالان اقتصادی این سیگنال را می‌دهد که این مواداولیه مشمول مالیات و عوارض صادراتی است و افراد فعال این حوزه باید در ازای صادرات این کالاها عوارض صادراتی آن را پرداخت کنند. به همین دلیل این یک سیستمی است که فعالان اقتصادی را به سمت سرمایه‌گذاری در صنایع پایین‌دستی هدایت می‌کند تا به سمت تولید مواد با فرآوری و ارزش افزوده بیشتر. در گذشته هم فهرست‌های مواد خامی که مشمول مالیات و عوارض صادراتی بود، اعلام می‌شد. دولت در سال گذشته همچنین فهرستی را اعلام کرده است، اما اینکه نحوه اجرای آن به چه صورت باشد، محل بحث بوده که به شکل درستی هم اجرا نشده است. در تصویب‌نامه هیئت دولت باید تعریف دولت از موادخام و نیمه‌خام ارائه می‌شد. در این مصوبه موادخام، ماده‌ای است که پس از استحصال و استخراج تغییری در ترکیب فیزیکی، شیمیایی و ماهیت و نوع آن ایجاد نشده باشد و به همان شکل به واحد فرآوری و تولیدی صادر یا واگذار شود. در تعریف دوم درخصوص مواد نیمه‌خام نیز تمامی محصولات شیمیایی و پتروشیمیایی که به عنوان خوراک یا ماده اولیه برای تولید محصول نهایی استفاده می‌شود، مواد نیمه‌خام نفتی، گازی و پتروشیمی تعریف می‌شود.»

■ سابقه وضع عوارض مالیاتی و صادراتی

بازگیرخوب ادامه می‌دهد: «در تصویب نامه هیئت‌وزیران که در ۲۷ مهر سال جاری صادر شد، تعریف محصولات صنایع معدنی، فلزی، غیرفلزی و نیمه‌خام به شکلی عنوان شد که تمامی محصولات معدنی از جمله شمش و فلزات اساسی و قابل عرضه مستقیم به مصرف‌کننده نهایی که به‌عنوان ماده اولیه یا کالای واسطه‌ای برای سایر تولیدات و محصولات مورد استفاده قرار می‌گیرد (محصولات صنایع معدنی فلزی و غیرفلزی نیمه‌خام) براساس این تعاریف لیست و فهرستی از مواد و محصولات معدنی، صنایع فلزی و غیر فلزی، محصولات نفتی، گازی و پتروشیمی که به‌صورت خام و نیمه‌خام هستند، توسط معاون اول رئیس‌جمهور مشمول مالیات و عوارض صادراتی در مهرماه ۱۴۰۱ اعلام شد. این اولین بار نیست که اخذ عوارض مالیاتی و صادراتی از محصولات خام و نیمه خام مطرح می‌شود، بلکه منشأ آن به سال ۱۳۹۴ و قانون رفع موانع تولید باز می‌گردد، به طوری که مطابق این قانون دولت مکلف بود نسبت به موادخام و نیمه‌خام عوارضی را وضع کند تا به کارگیری این سیاست بتواند زنجیره ارزش تولید را در صادرات افزایش دهد و کالاهای با ارزش‌افزوده بالاتر در کشور تولید شود.»

> **هنوز عمده صادرات کشور موادخام و نیمه‌خام است که ایدبررسی‌شودباوجودقوانین موجود چرا به سمت تولید یا صادرات مواد با ارزش‌افزوده بیشتر سوق پیدا نکردیم؟**

■ صادرات در دام موادخام و نیمه‌خام

کارشناس صادرات و بازاریابی بین‌الملل تأکید می‌کند: «با گذشت هفت سال از سال ۱۳۹۴، هنوز عمده صادرات کشور موادخام و نیمه‌خام است و باید بررسی شود با وجود قوانین موجود چرا به سمت تولید یا صادرات مواد با ارزش‌افزوده بیشتر سوق پیدا نکردیم؟ در حالی که این قانون توسعه زنجیره ارزش را به دنبال دارد. اکنون بیشترین مشکل صنایع پایین‌دستی حداقل در حوزه پتروشیمی، کمبود مواد اولیه است.» بازگیرخوب خاطرنشان می‌کند: «اکنون بیشترین مشکل صنایع پایین‌دستی حداقل در حوزه پتروشیمی، کمبود مواداولیه است، یعنی صادرات موادخام و نیمه‌خام در حوزه پتروشیمی به حدی زیاد بوده که پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌هایی که قصد برابری محصولات پتروشیمی را دارند، با کمبود مواداولیه صادر شده مواجه هستند. اگر قوانین سایر کشورهای توسعه یافته همانند چین و کره‌جنوبی که سیاست وضع مالیات بر صادرات خام و نیمه‌خام را در اقتصاد خود داشتند تا از خام‌فروشی گذر کنند و به سمت کالاهای با ارزش‌افزوده بالاتر حرکت کنند، در یک‌بازه تدریجی برای صنایع مختلف برنامه‌ریزی کنیم و تولید و صادرات کالاها را به سمت ارزش افزوده بالاتر سوق دهیم، این سیاست درستی است.» این کارشناس صادرات و بازاریابی بین‌الملل می‌افزاید: «اگر این قانون درست اجرا شود و تمامی ارکان این تصمیم را اجرا کنند، صنایع پایین‌دستی تقویت می‌شود تا بتوانند تولید، صادرات و ارزآوری بیشتری را داشته باشند.» وی پیشنهاد می‌کند: «صنایع بالادستی صادرکننده موادخام و نیمه‌خام با توجه به حجم تقاضای صنایع پایین‌دستی که از مواداولیه دارند و با کمبود مواداولیه برای فرآوری در کشور مواجه هستند، می‌توانند موادخام و نیمه خام خود را به شکل فروش داخلی گسترش دهند و به جای اینکه این محصولات خام و نیمه خام با ارزش افزوده پایین صادر کنند، می‌توانند این مواد را به صنایع پایین‌دستی در داخل بفروشند که ارزآوری بالاتری برای کشور داشته باشد. اخیراً هم کمیته «اقدام ارزی» مصوبه‌ای را تصویب کرده است که پتروشیمی‌ها باید صددرصد ارز حاصل از صادرات خود را در نیما به فروش برسانند که نشان‌دهنده نکته‌ای مبنی بر این است که صادرات موادخام و نیمه‌خام برای کشور در اولویت نیست و کشور هم به سمت هدایت فعالان اقتصادی به سمت صادرات مواد با ارزش افزوده بالاتر است.

با عنایت به توضیحات مطرح شده به نظر می‌رسد اراده کافی در دولت‌ها برای عبور از عارضه «خام و نیمه خام‌فروشی» وجود ندارد و قوانین به جای آنکه شرایط خام و نیمه‌خام فروشی را سخت کند، برعکس در حال سوق دادن فعالان اقتصادی به این سمت است. البته نباید از نقش «تعارض منافع» برخی مسئولان در بدنه نظام سیاسی کشورمان نیز غافل شد.

چه خبر؟

و ما ادراک ما القیمت؟!

سال قبل همین روز، یعنی ۲۰ دی ۱۴۰۰ در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت به ریاست سیدابراهیم رئیسی مقرر شد، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان موظف شود با همکاری وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت قیمت کالاها را منصفانه تعیین و به مردم اعلام کند. فارغ از آنکه در عصر قحط‌الرجال، چگونه می‌شود یک شخص دو پست مهم «مدیرکل بازرسی وزارت صنعت، معدن و تجارت» و «معاون وزیر، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان» را همزمان برعهده داشته باشد، نگاهی به قیمت‌های سطح بازار نشان می‌دهد سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نتوانسته است به درستی به تکالیف قانونی خود عمل کند و گرانی‌ها، امروز یکی از محورهای اساسی فشار به معیشت مردم است.

پشت پرده توقف طرح خرید شفاف؟

وزریر «صنعت، معدن و تجارت» دقیقاً یک‌سال قبل یعنی ۲۰ دی ۱۴۰۰ در نشست هم‌اندیشی با فعالان اقتصادی «صنایع سلولزی، نوشت افزار، غذا، دارو و لوازم خانگی» گفته بود: «پروژه درج قیمت تولیدکننده به صورت پایلوت و آزمایشی در ۱۲ گروه کالایی با هزار و ۲۰۰ تولیدکننده انجام می‌شود، این پروژه همزمان به نفع تولیدکننده، مصرف‌کننده و توزیع‌کننده است، چراکه شفافیت به وجود می‌آورد.»

طرح درج قیمت تولیدکننده و به عبارتی طرح «خرید شفاف» که به اذعان سکاندار وزارت عریض و طویل «صنعت، معدن و تجارت» به نفع هر سه گروه «تولید کننده»، «مصرف‌کننده» و «توزیع‌کننده» بود پس از مدتی و در بحبوحه تشدید فشارهای مافیای زنجیره توزیع که سود بعضاً ۱۲۰ درصدی به جیب می‌زدند؛ بی‌سروصدا متوقف شد تا شاید یکی از پایه‌های فشار به وزارت صمت برداشته شود.

اصلاح قانون سیاست‌های اصل ۴۴ شاید بعدها

وزیر امور اقتصادی و دارایی یک‌سال قبل، یعنی ۲۰ دی ۱۴۰۰، در پایان نشست خود با وزرای سابق امور اقتصادی و دارایی و برخی صاحب‌نظران و مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته بود: «پس از طی ۱۵ سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و به ویژه بند (ج) این سیاست‌ها در مورد واگذاری شرکت‌های دولتی، نقاط قوت و ضعف سیاست‌ها آشکار شده است.

در همین راستا، بلافاصله بعد از شروع به کار دولت سیزدهم، کارگروهی در وزارت اقتصاد مأمور تهیه پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شد و ما برای غنای بیشتر لایحه مذکور تصمیم گرفتیم، همایشی را در سالگرد ابلاغ این سیاست‌ها در بهار سال ۱۴۰۱ برگزار کنیم.»

با گذشت یک‌سال هنوز نه تنها خبری از لایحه اصلاح «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» نیست، بلکه حتی خبری از اجرای قانون فعلی هم نیست.

ارسال آمار غلط از صمت به مجلس

احمد نادری، نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس یازدهم و عضو هیئت رئیسه مجلس اخیراً در توئیتی نوشته است: «سازوکار فروش خودرو در بورس کالا نشانه‌ای از سیطره منطق بازار آزاد بر وزارت صمت است. علاوه بر آن، خودرو کالای مصرفی است نه سرمایه‌ای. ظاهراً مردان اقتصادی دولت ایده‌ای برای رهایی از استیلای نئولیبرالیسم وطنی ندارند.» به‌زعم برخی نمایندگان مجلس، اطلاعات صحیحی از وزارت صمت به مجلس ارسال نمی‌شود و ارتباط خانه ملت و این وزارتخانه بیش از آنکه حرفه‌ای و عمیق و سالم باشد، مشحون از گزاره‌های غلط و اقدامات قابل تأمل است و شاید به همین جهت خیلی از استیلای نئولیبرالیسم وطنی در بخش‌های اقتصادی دولت از جمله در وزارت صمت به عنوان متولی مهم معیشت مردم سخن به میان نمی‌آید.

نظام اقتصادی اسلام

طبعاً رهیافت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «نه شرقی، نه غربی» درباره همه ساحت‌ها از جمله اقتصاد صدق می‌کند. نفی نظام‌های اقتصادی نئولیبرالیسم و کمونیسم با پشتوانه «نظام اقتصادی اسلام» است، اما این نظام آنطور که باید معرفی و مورد توجه قرار نمی‌گیرد، از این جهت در سلسله مطالبی کتاب «نظری به نظام اقتصادی»، مجموعه یادداشت‌های متفکر شهید استاد مرتضی مطهری را بازخوانی می‌کنیم.

۲ مانع رشد و ترقی اجتماع

۱۱ شرکت اجتماع در محصولی که ساخته طبیعت و کار شخصی است بیش از همین اندازه که توضیح داده شد نمی‌تواند بوده باشد. دیگران را به طور مساوی در محصول کار او شرکت دادن خلاف اصل عدالت است، استثمار است، زیرا حقی که اجتماع برای افراد باید قائل باشد باید متناسب باشد با کاری که آزادانه یا بالاجبار در اجتماع انجام می‌دهد.

اگر عملاً کار فردی بر کار فرد دیگر افزایش داشت، شرکت دادن غیر با او در محصول آن کار ظلم و بی‌عدالتی و استثمار است و اگر فرضاً بخواهیم افراد را مجبور کنیم که همه به قدر هم کار کنند تا به قدر هم از محصول کار بهره ببرند باز هم ظلم و اجحاف است، زیرا آزادی را از فردی که طبیعت نیروی جسمی و روحی بیشتری به او داده یا فردی که هرچند نیروی بیشتری ندارد، اما حاضر نیست وقت خود را به تنبلی بگذراند، سلب کرده‌ایم.

ظلم و بی‌عدالتی منحصر به استثمار، یعنی اینکه فردی محصول کار دیگری را تصاحب کند نیست، منع فردی یا افرادی از اینکه حداکثر استفاده را از نیروهای خدادادی خود بکنند و سلب این آزادی از او نیز ظلم و سلب حق طبیعی است. بالضروره افراد انسان‌ها از لحاظ استعداد کار و از لحاظ چالاکی و پشتکارداری و نقطه مقابل آن یعنی تنبلی متفاوت آفریده شده‌اند و البته طبیعت در ایجاد این تفاوت هدف دارد و فرضاً از این نظر هدفی هم در کار نباشد، مطلب از همین قرار است. علیهذا مجبور کردن افراد با آنکه کار بیشتری انجام داده‌اند محصول کار خود را به دیگران واگذارند ظلم و استثمار است. منع کردن آنها نیز از اینکه کار بیشتری انجام دهند و الزام به اینکه در حد ضعیف‌ترین کارگران کار کنند نیز ظلم است، هرچند استثمار نیست.

به علاوه در هر دو صورت مانع ترقی و پیشرفت و تکامل اجتماع است، زیرا قبلاً گفته‌ایم که دو چیز مانع رشد و ترقی اجتماع است و هر دو نوعی ظلم و اجحاف هم هست؛ یکی حبس و توقیف مواداولیه به وسیله مالکیت افرادی معدود که لازمه رژیم سرمایه‌داری است و یکی حبس و توقیف منبع انسانی و نیروی انسانی و جلوگیری از مسابقه که لازمه رژیم اشتراکی است.

برای عدالت اجتماعی

«هدف‌های انقلاب» که گفتیم، یعنی چه؟ یعنی پیشرفت کشور، عدالت اجتماعی در کشور، اقتدار کشور، تشکیل جامعه اسلامی در کشور و در نهایت رسیدن به تمدن نوین اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی؛ هدف‌های انقلاب اینهاست. باید دید برای رسیدن به این هدف‌ها، برای رسیدن به عدالت اجتماعی، برای رسیدن به پیشرفت واقعی کشور - نه پیشرفت‌های پوشالی و ادعایی؛ پیشرفت‌های همه‌جانبه، مادی و معنوی و برای رسیدن به جامعه اسلامی که احکام اسلام به معنای واقعی در آن پیاده بشود و مردم بهره‌مند بشوند از تحقق این احکام و در نهایت برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی چه کارهایی لازم است، آن کارها را در حد توانمان [انجام بدهیم]؛ هر کسی در حد توان خودش؛ بنده یکجور آن مسئول یکجور آن دانشجو یکجور و امثال اینها که حالا عرض خواهیم کرد.

رهبر انقلاب در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی / ۲۸ بهمن ۱۴۰۰

صادرات یک میلیارد و ۹۴ میلیون دلاری ایران به قاره آفریقا

سیدروح‌اله لطیفی، سخنگو و قائم مقام باشگاه تجار ایران و آفریقا از تجارت یک میلیارد و ۱۷۰ میلیون دلاری ایران با کشورهای آفریقایی از ابتدای سال تا دهم دی ماه خبر داد و به «جوان» می‌افزاید: «۹۳/۵ درصد از این میزان تجارت، سهم صادرات ایران به ۴۴ کشور آفریقایی بود. از ابتدای سال تا دهم دی ماه، ۲ میلیون و ۲۹۰ هزار تن کالا به ارزش یک میلیارد و ۱۶۹ میلیون و ۳۶۰ هزار و ۳۸۴ دلار بین ایران و کشورهای آفریقایی تبادل شد که ۲ میلیون و ۲۰۹ هزار تن کالا به ارزش یک میلیارد و ۹۳ میلیون و ۸۷۵ هزار و ۹۹۶ دلار سهم صادرات ایران به ۴۴ کشور آفریقایی و ۸۰ هزار و ۵۶۷ تن کالا به ارزش ۷۵ میلیون و ۴۸۴ هزار و ۳۸۸ دلار نیز سهم واردات ایران از ۲۲ کشور آفریقایی به ایران بود.» وی تصریح کرد «۹۶/۵ درصد وزن و ۹۳/۵ درصد ارزش تجارت ایران با قاره آفریقا صادرات کالای غیرنفتی ایرانی بوده و ۳/۵ درصد وزن و ۶/۵ درصد ارزش نیز مربوط به واردات کالا از آفریقا به ایران بوده است.» لطیفی همچنین درخصوص مقاصد صادراتی ایران در قاره آفریقا به «جوان» می‌گوید: «آفریقای جنوبی با خرید ۲۸۱ میلیون و ۶۱۸ هزار دلار و سهم ۲۶ درصدی، موزامبیک با ۱۸۹ میلیون و ۱۷۸ هزار دلار و سهم ۱۷ درصدی، غنا با ۱۴۴ میلیون و ۱۱۲ هزار دلار و سهم ۱۳ درصدی، سودان با ۱۴۱ میلیون و ۵۴۲ هزار دلار و سهم ۱۳ درصدی و نیجریه با ۱۲۹ میلیون و ۵۷ هزار دلار و سهم ۱۲ درصدی، پنج مقصد اول صادرات کالاهای غیرنفتی ایران به آفریقا از ابتدای سال تا ۱۰ دی بودند که این میزان ۷۵ درصد وزن و ۸۰ درصد ارزش صادرات ایران به آفریقا را به خود اختصاص دادند.» به گفته وی «کنیا، ساحل عاج، زیمباوه، زامبیا، اوگاندا، تانزانیا، ترینیداد و توباگو، تونس، توگو، چاد، سومالی، سنگال، سیرآلئون، سیشل، رواندا، نیجر، موریس، موریتانی، مالی، ماداگاسکار، مراکش، لیبی، کومور، گواتمالا، گینه، گابن، اتیوپی، مصر، الجزایر، جیبوتی، کامرون، کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو، بوتسوانا، برونئی، بنین، بروندی، بورکینافاسو و آنگولا سایر مقاصد صادراتی کالای ایرانی به آفریقا در این مدت بودند.» سخنگو و قائم مقام باشگاه تجار ایران و آفریقا درخصوص کشورهای آفریقایی فروشنده به کالا اظهار داشت: «تانزانیا با فروش ۴۹ هزار و ۸۶۶ تن کالا به ارزش ۱۹ میلیون و ۵۶۰ هزار دلار (۶۲ درصد وزن و ۲۶ درصد ارزش کل واردات)، کنیا با ۱۴ میلیون و ۷۹۵ هزار دلار سهم ۲۰ درصدی از کل واردات، آفریقای جنوبی با ۱۱ میلیون و ۴۹۸ هزار دلار و سهم ۱۵ درصدی، غنا با ۶ میلیون و ۵۶۰ هزار دلار و سهم ۹ درصدی و سیشل با ۶ میلیون و ۱۰ هزار دلاری و سهم ۸ درصدی، پنج کشور نخست آفریقایی فروش کالا به ایران در این مدت بودند که جمعاً ۸۱ درصد وزن و ۷۸ درصد ارزش واردات کالا از آفریقا را به خود اختصاص دادند. آفریقای مرکزی، کنگو، ساحل عاج، کامرون، مصر، اتیوپی، مراکش، ماداگاسکار، موریس، مالاوی، رواندا، سودان، سوازیلند، تونس، اوگاندا، زیمباوه و زامبیا نیز از دیگر کشورهای آفریقایی تأمین‌کننده کالا برای ایران در این مدت بودند.» لطیفی در پایان خاطر نشان می‌کند: «با سیاست چند جانبه‌گرایی و توجه به بازارهای جدید به ویژه کشورهای منطقه، آسیا و آفریقا در دولت سیزدهم و فعال‌تر شدن بخش خصوصی ایران و کشورهای مقصد، روابط تجاری ایران با کشورهای آفریقایی به سرعت در مسیر رشد قرار گرفته است.»

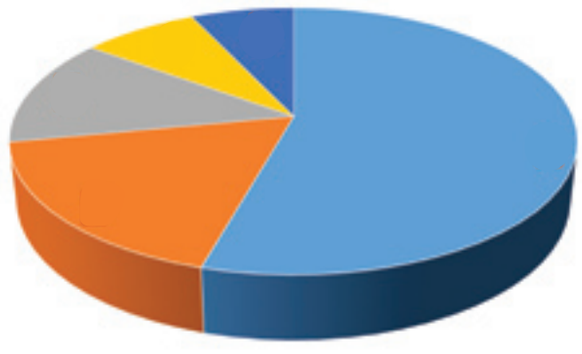

آگهی فراخوان بانک صادرات ایران

بانک صادرات ایران

بانک صادرات ایران در نظر دارد نسبت به شناسایی شرکت‌های توانمند در زمینه فروش قطعات و تجهیزات کامل و نصب و راه‌اندازی سیستم اعلام خطر شعب استان تهران بر اساس توانمندی‌های ذیل اقدام کند:

ردیف	شاخص	توضیحات
۱	تجربه (سابقه اجرایی)	الف: سوابق معتبر و مستند تأمین و نصب سیستم اعلام خطر با مشخصات فنی پیوست (حداقل در ۲ بانک)
		ب: ارائه سوابق پشتیبانی سیستم اعلام خطر با مستندات معتبر مورد تأیید در سایر بانک‌ها
۲	سوابق نصب و راه‌اندازی سیستم اعلام خطر	سابقه نصب و راه‌اندازی سیستم اعلام خطر در (حداقل ۳ بانک)
۳	سوابق تجربی کارکنان	ارائه مدارک معتبر مبنی بر تخصص و تجربه کارکنان موجود در لیست بیمه در زمینه نصب و پشتیبانی سیستم اعلام خطر

لذا از شرکت‌های واجد شرایط دارای سابقه کار عملیاتی در حوزه یادشده دعوت می‌شود تا در صورت تمایل، تجارب کاری و سوابق فعالیت (رزومه کاری) تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ به نشانی: تهران، خیابان سمیه، نبش ملک‌الشعرای بهار، شماره ۸۵ (ساختمان سپهر) طبقه ۴، اداره کل تدارکات، دایره قراردادها، ارسال نمایند.

همچنین شرکت‌کنندگان برای رفع هرگونه ابهام و طرح سؤال فنی درخصوص فراخوان می‌توانند با کارشناسان اداره کل حفاظت فیزیکی: آقای نقی‌ئی با شماره تلفن‌های ۸۴۷۶۳۰۳۰ و آقای رمضانی با شماره تلفن ۸۴۷۶۳۰۹۶ و درخصوص سایر موارد با اداره کل تدارکات با شماره تلفن ۸۴۷۶۲۳۵۶ (آقای احمدی) و تلفن دورنگار ۴۱۴۷۶۲۰۱ تماس حاصل نمایند.